



مدیریت منابع در برنامه درسی کودکان و دانش آموزان با نیاز ویژه

مهدی افشین پور

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ، دانشکده اصول الدین دزفول

Qen.dezful@gmail.com

۰۹۳۰۴۸۱۴۷۳۲

چکیده :

هسته اصلی نظام تعلیم و تربیت، برنامه درسی است. برنامه های درسی و نظریات در زمینه آموزش و پرورش از جمله عوامل و عناصری است که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی نقش بسزایی دارد. هدف از انجام این تحقیق بررسی مدیریت منابع در برنامه درسی کودکان و دانش آموزان با نیاز ویژه است که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است . یافته های تحقیق حاکی از آن است با توجه به اینکه نیازهای متفاوت یادگیری دانش آموزان با نیازهای ویژه باعث می شود آن ها نیاز به برنامه های آموزشی متنوع داشته باشند ، لذا ساختار مواد و محتوای آموزشی باید متناسب با نیازهای این دانش آموزان باشد تا توانایی یادگیری آنان را افزایش دهد . بنابراین معلمان برای اصلاح آموزش براساس نیازهای دانش آموزان و ارزیابی یادگیری آن ها نیاز به برنامه های متفاوت دارند تا بتوانند به آن چه این دانش آموزان نیاز دارند، پاسخگو باشند.

واژگان کلیدی: برنامه درسی ، آموزش ، یادگیری ، دانش آموزان با نیاز ویژه



مقدمه :

در عصر حاضر اساس توسعه و گسترش اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی هر جامعه ، نظام تعلیم و تربیت آن است . تحلیل علل توسعه و پیشرفت جوامع پیشرفته بیانگر آن است که دارای کشورها از آموزش و پرورشی توانمند و کارا هستند . فراهم کردن زمینه مناسب در جهت رشد و شکوفایی استعدادها و توانمندی های افراد بر عهده سازمان آموزش و پرورش است . بدون شک دستیابی به این هدف نیازمند برنامه ریزی های وسیع ، جامع و حساب شده با توجه به اهداف عمومی آموزش و پرورش هر جامعه است. (طالب زادگان ، ۱۳۷۸)

آموزش، همواره جریانی اثرگذار بوده است؛ به این معنا که کاربرد آن، یا به عنوان وسیله ای برای کمک به یکپارچگی نسل جوان در منطق نظام موجود و انطباق آنها، یا تمرین آزادی است؛ به این معنا که مرد و زن به طور خلاقانه و انتقادی با واقعیت برخورد می کنند یا در می یابند که چگونه در تغییر دنیای خود مشارکت کنند . به طور ضمنی، مطلب یادشده، به سه نقش اساسی آموزش اعتقاد دارد :

اول اینکه : آموزش، نقش ترکیبی دارد و بر این اساس به ما می گوید که چه چیزی درباره دنیا می دانیم؛

دوم اینکه : زمانی که آموزش برای نگهداری تفاوت قدرت های موجود و نگاه داشتن مردم در جایگاه خود استفاده می شود، نقشی دیگر خواهد داشت؛

نقش سوم آموزش، کمک به ما در شکل دهی دیدگاه مان نسبت به دنیا و در نهایت، تغییر دنیا به عنوان پیامد آن، است که بر این اساس، آموزش، نقش تغییردهنده دارد .

این آموزش ها از طریق برنامه های ، درسی، در مراکز آموزشی صورت می گیرند . برنامه درسی به منزله اتفاقی برنامه ریزی شده و قصد شده به دنبال آن است تا جریان رسمی و غیررسمی یاددهی -یادگیری را در محیط آموزشی، به شکلی هدفمند، تعریف و در چهارچوب آن سازماندهی کند .

برکارگیری واژه برنامه درسی بر حسب معانی مختلفی که از آن توسط افراد مختلف برداشت شده است ، در آموزش و پرورش ما یک واژه نوین است . برنامه درسی در حقیقت همان برنامه آموزشی پیشنهادی است که عنوان کننده هدایت فراگیران به سمت رشد است و با تکیه بر نظام ارزش ها ، وسیله ای در جهت دستیابی به آرمان ها و اهداف تربیتی است . (انصاری ، ۱۳۹۶)

متخصصان آموزش و پرورش در سال های اخیر این نظریه را مطرح کرده اند که انسان به رغم داشتن ویژگی های متفاوت از همسالان ، دارای ویژگی های مشترک انسانی است که نظام آموزش و پرورش باید با تمرکز بر این مشترکات و نه بر اساس تفاوت ها نسبت به ارائه خدمات و تربیت نسل اقدام نماید . (قدمی ، ۱۳۹۱) در واقع همه افراد از منظر ویژگی های مختلف جسمی ، روانی ، فکری ، سازگاری اجتماعی و بیولوژیکی با یکدیگر متفاوت می باشند . این تفاوت نه تنها از منظر جسمی و روحی ، بلکه از نظر توانمندی ها و استعدادهای مختلف نیز مطرح است ؛ از این رو هر فرد نسبت به مجموع افراد دیگر استثنایی محسوب می شود و واژه «استثنایی» در معنای دقیق کلمه و به طور کلی نمی تواند تنها به گروه خاصی از جامعه تعلق بگیرد . اما آنچه که به نام «کودک استثنایی» شناخته می شود ، به این مفهوم است که « تفاوت کودک از منظر هوشی، جسمی، روانی و اجتماعی به میزان قابل توجهی نسبت به دیگر همسالان خود بسیار است و کودک در این حالت امکان استفاده حداکثری از برنامه های آموزش و پرورش عادی را ندارد و لذا ضروریست توجه خاص و آموزش و خدمات فوق العاده ای به او ارائه گردد » (فتاحی ، ۱۳۹۴)



اما از آنجا که واژه استثنایی معمولاً کاستی ها و تفاوت های منفی را در ذهن تداعی می کند و از طرف دیگر، همه کودکان متفاوت یا نیازمند برنامه خاص را پوشش نمی دهد. به همین دلیل، در حال حاضر، اصطلاح کودکان با نیازهای ویژه به جای کودکان استثنایی به کار می رود. کوشش در جهت شناسایی و برنامه ریزی و ایجاد تسهیلات آموزشی هر چه بیشتر برای کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه که عمدتاً به دلیل نیاز فرهنگی فوق العاده از اولویت خاصی برخوردارند، از اهداف نظام آموزشی است.

سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی میزان تقویت توانمندسازی شغلی در برنامه درسی دانش آموزان کم توان ذهنی، از دیدگاه کارشناسان ستادی، متخصصان برنامه ریزی درسی و دبیران ذیربط پرداختند. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان داد « دبیران بر خلاف کارشناسان ستادی و متخصصان برنامه ریزی درسی معتقدند برنامه های درسی دوره متوسطه حرفه ای با علایق و رغبت های شغلی دانش آموزان دوره متوسطه حرفه ای تناسب کمتری دارد، کمتر توانسته فارغ التحصیلان را به خودکفایی فردی برساند و در توانبخشی حرفه ای دانش آموزان کم توان ذهنی نقش کم رنگی ایفا نموده است. »

نتایج پژوهش همتی علمدارلو (۱۳۹۱) در بررسی رویکردهای برنامه درسی دانش آموزان کم توان ذهنی: مزایا و معایب نشان داد « جدیدترین رویکرد در برنامه درسی دانش آموزان کم توان ذهنی، رویکرد دسترسی به برنامه درسی عمومی است که اتخاذ این رویکرد با فراهم کردن شرایط و امکانات و تمهیدات لازم برای اجرای آن به بهترین شکل، دانش آموزان کم توان ذهنی را برای زندگی مستقل در محیط های با کم ترین محدودیت آماده می کند. »

همتی علمدارلو (۱۳۹۲) همچنین در پژوهشی دیگر به بررسی برنامه درسی کارکردی برای دانش آموزان کم توان ذهنی پرداخته و نشان داد « هدف اصلی آموزش و پرورش دانش آموزان کم توان ذهنی عبارت است از رساندن آنها به یک استقلال نسبی فردی، اجتماعی و اقتصادی؛ به گونه ای که بتوانند ضمن احساس خود ارزشمندی، فرد مفیدی در جامعه باشند. تحقق این هدف مستلزم تدوین و ارائه برنامه های درسی مناسب برای کمک به گذار دانش آموزان از مدرسه به محیط کار و زندگی مستقلانه است. یکی از اقدامات اساسی در راستای دستیابی به هدف مذکور تدوین برنامه درسی کارکردی است. برنامه درسی کارکردی نوعی برنامه درسی است که مهارت های کارکردی مورد نیاز دانش آموزان کم توان ذهنی در محیط های خانه، کار و جامعه را به آنان آموزش می دهد. »

خداشناس و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی برنامه های درسی دانش آموزان با نیاز ویژه پرداخته و نشان دادند « کودکان با نیاز های ویژه در جامعه ایران مورد بی مهری های فراوانی تاکنون قرار گرفته اند به طوری که می توان گفت: این کودکان از عدالت آموزشی بهره زیادی نبرده اند. این کودکان از طرف خانواده پنهان می شوند و در جامعه نیز جایگاهی ندارند. آیا این کودکان انسان هستند یا نه، و اگر انسان هستند عدالت خداوند حکم می کند که دارای استعدادی باشند. پس ما باید با تغییر در محیط، شرایطی را فراهم آوریم تا استعداد ناب و بالقوه این کودکان را به لطف خداوند به بالفعل تبدیل نماییم. بنابراین باید برای این کودکان برنامه ای فراهم دید که ما در تهیه این برنامه به منظور کسب آگاهی های بیشتر و دقیق تر از روش های میدانی و کتابخانه ای استفاده نموده ایم. به طور کلی؛ زمانی که انسان عضوی را از دست می دهد، دیگر اعضای بدن او نقش و عملکرد عضو از دست رفته را بر عهده می گیرند و بدن سعی می کند خود را به حالت تعادل برگرداند. حال اگر در کنار این سازگاری غریزی، حمایت های محیطی و تعلیم و تربیت همراه شود می توان گفت: فرد با آسودگی بیشتری می تواند پله های ترقی را پشت سر بگذارد. »

طیعی ماسوله و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود به طراحی الگوی برنامه درسی آموزش شهروندی برای دانش آموزان کم توان ذهنی پرداختند. نتایج به دست آمده، اهمیت کاربردی بودن آموزش های شهروندی برای دانش آموزان با نیاز ویژه بود. نتایج ارائه شده در این پژوهش نشان می دهد « مهم ترین نتایج به دست آمده از مصاحبه ها بر محتوای آموزش شهروندی و روش های آموزش تأکید داشتند. در خصوص



روش های تدریس و آموزش نیز، بر تشکیل گروه های غیررسمی و نظارت بر فعالیت گروه ها، یادگیری در عمل و روش های تدریس شاگرد محور و مشارکتی تأکید شده است. »

روش شناسی :

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدیریت منابع در برنامه درسی کودکان و دانش آموزان با نیاز ویژه به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

بحث درباره یافته ها

عنوان دانش آموز استثنایی به دانش آموزی اطلاق می شود که تفاوت قابل توجهی از منظر شناختی، هوشی، جسمی (حسی، حرکتی)، عاطفی و یا اجتماعی، با دیگر همسالان خود داشته باشد و لازمه برخورداری آنان از آموزش و پرورش، ایجاد تغییراتی (متناسب با ویژگی های این دانش آموزان) در برنامه ها، محتوا، روشها و فضای آموزشی عادی و ارائه خدمات آموزشی و توانبخشی ویژه می باشد. (صمدی فر، ۱۳۹۰)

دسته بندی های گوناگونی برای نامگذاری افراد با نیازهای ویژه در نظر گرفته اند. در یک دسته بندی این افراد در هشت دسته تقسیم می شوند: ناشنوا و کم شنوا، نابینا و کم بینا، دارای معلولیت جسمی - حرکتی، کم توان ذهنی، دارای اختلالات ارتباطی، دارای اختلالات رفتاری، دارای اختلالات یادگیری و تیزهوش و با استعداد.

۱. دانش آموزان ناشنوا و نیمه شنوا:

الف) دانش آموز ناشنوا به کسی گفته می شود که : « با توجه به اینکه از وسایل کمک شنوایی استفاده می کند اما همچنان با میزان شنوایی که دارد نمی تواند گفته های دیگران را از طریق حس شنوایی بشنود. به عبارت دیگر میزان ناتوانی حس شنوایی او ۷۰ دسی بل یا بیشتر بوده و لذا از فراگیری پیرامون خود از طریق حس شنوایی محروم است. »

ب) دانش آموز نیمه شنوا به کسی گفته می شود که : « با بکارگیری وسایل کمک شنوایی و برنامه های توانبخشی زبان و گفتار، می تواند گفته های دیگران را بشنود. دانش آموزان نیمه شنوا نسبت به دانش آموزان ناشنوا از مشکلات کمتری رنج می برند و در صورت تشخیص و درمان به موقع در زمینه استفاده از وسایل کمک شنوایی و برنامه های توانبخشی امکان ادامه تحصیل در کنار دانش آموزان عادی را خواهد داشت. به هر میزان که درجه نقص شنوایی دانش آموزی کمتر باشد، به آموزش ویژه کمتری نیاز دارد »

۲. دانش آموزان نابینا و نیمه بینا:



الف) دانش آموز نابینا به دانش آموزی گفته می شود که : « امکان دیدن ندارد و یا با اینکه از وسایل کمک بینایی استفاده می کند اما همچنان با میزان بینایی که دارد نمی تواند ببیند و آموزش وی از طریق روش آموزشی خط بریل می باشد . حداکثر حدت بینایی اصلاح شده این گروه ۲۰۰ / ۲۰ کمتر بوده و یا زاویه دید آنها در بزرگترین قطر از ۲۰ درجه بیشتر نیست. این دانش آموزان نیاز به آموزش ویژه دارند؛ چرا که آموزش آنها باید از طریق سایر حواس انجام پذیرد. »

ب) دانش آموز نیمه بینا به کسی گفته می شود که : « با توجه به بکارگیری وسایل کمک بینایی ، باز هم بینایی او اندک بوده و نمی تواند از خطوط کتاب های عادی استفاده کند و آموزش و پرورش او نیازمند بکارگیری وسایل کمک بینایی مخصوص و یا کتابهای درشت خط باشد. حداکثر حدت بینایی اصلاح شده چنین دانش آموزانی از ۲۰۰ / ۲۰ بیشتر و از ۲۰ / ۷۰ کمتر است . » به طور کلی دانش آموزانی که مشکلات بینایی دارند از نظر مقاصد آموزشی به سه دسته تقسیم می شوند: (بی نا ، ۱۳۹۸)

۱- افرادی که مشکل بینایی آنها با درمان های پزشکی و عینک قابل رفع شدن می باشد، نمی توان این دانش آموزان را استثنایی گفت: زیرا با برطرف شدن مشکل ، آنها می توانند از آموزش عادی استفاده کنند .

۲- دسته دوم افرادی هستند مقدار بینایی آنها حتی بعد از درمان و یا استفاده از عینک نیز به صورت طبیعی نیست و باز هم نیاز به آموزش های ویژه و خاص دارند . این دانش آموزان با وجود دارا بودن مشکل بینایی ، اما کمتر از دانش آموزان معمولی امکان استفاده از بینایی را دارند .

۳- دسته سوم شامل دانش آموزانی می شود که با توجه به روش های درمانی ، باز هم امکان استفاده از بینایی خود را ندارند و نابینا هستند و نیازمند آموزش های ویژه با استفاده از دیگر حواس می باشند .

۳. کودکان و دانش آموزان کم توان ذهنی:

دانش آموز کم توان ذهنی به دانش آموزی گفته می شود که : « میزان عملکرد عمومی هوشی او بطور معنی دار یا قابل ملاحظه ای پایین تر از میانگین باشد (بهره هوشی پایین تر از ۷۰) و در زمینه رفتارهای سازگارانه دچار مشکلاتی هستند . کودکان کم توان ذهنی از نظر آموزشی به سه گروه آموزش پذیر ، تربیت پذیر و حمایت پذیر تقسیم می شوند که مسئولیت تعلیم و تربیت دانش آموزان کم توان ذهنی «آموزش پذیر» بر عهده سازمان آموزش و پرورش استثنایی است. یک معلم اثربخش و آگاه می بایست در زمان برخورد با این دانش آموزان ، متوجه محدودیتهای ذهنی آنان باشد . هدف از انجام فعالیت توانبخشی برای این دسته از دانش آموزان ، به فعلیت رساندن حداکثر توانمندی های آنان و بوجود آوردن کفایت شغلی و حرفه ای و مهارت های فردی و اجتماعی در آنان می باشد . اولویت برنامه آموزشی برای این دانش آموزان ، ایجاد کارگاه های آموزشی و حرفه ای است. » (بی نا ، ۱۳۹۸)

۴. دانش آموزان با اختلالات رفتاری:



دانش آموز با اختلال رفتاری به دانش آموزی گفته می شود که : « با توجه به داشتن هوش مرزی و بالاتر ، تفاوت قابل توجهی در رفتار اجتماعی و عاطفی او با دیگر همسالانش وجود دارد و این امر مانع استفاده از آموزش و پرورش عادی برای این دانش آموزان می گردد. هدف از انجام فعالیت توانبخشی برای این دسته از دانش آموزان پیشگیری، شناسایی، ارزیابی، اصلاح و کاهش مشکلات رفتاری و ارائه خدمات متناسب به منظور ایجاد سازگاری مطلوب در زمینه های فردی و اجتماعی و بازگشت حتی الامکان آنان به جریان آموزش و پرورش عادی می باشد. »

۵. دانش آموزان چند معلولیتی

دانش آموز چندمعلولیتی به دانش آموزی گفته می شود که : « دارای دو یا چند مورد از انواع معلولیتهای ذهنی، شنوایی، بینایی و جسمی است، به صورتی که بدون بکارگیری خدمات و آموزش ویژه نمی تواند از آموزش و پرورش عادی برخوردار باشد و در این حالت با توجه به میزان شدت مشکلات دانش آموز ، ممکن است آموزش وی در خانه یا بیمارستان انجام شود . در موارد با شدت کم ، دانش آموزی که بیشتر از یک نقص را داراست ، امکان شرکت در کلاس ویژه ای که بر اساس ناتوانی او می باشد را دارد . »

۶. دانش آموزان معلول جسمی و حرکتی:

عنوان دانش آموز معلول جسمی - حرکتی به دانش آموزی اطلاق می شود که : « با توجه به بالا بودن بهره هوشی فردی وی به دلیل دارا بودن مشکلات جسمی - حرکتی شدید ، نمی تواند از امکانات آموزشی مدارس عادی استفاده کند . این دانش آموزان در صورت عدم ترک تحصیل ، امکان دارد در تحصیل خود دچار عقب ماندگی نشوند اما ناتوانی حرکتی آنها باعث بروز مشکلات هیجانی مانند حساسیت بیش از حد و تحریک پذیری زیاد می شود . این دانش آموزان از نظر آموزشی تفاوتی با دیگر دانش آموزان ندارند اما شرایط فیزیکی مدرسه باید با وضعیت جسمی آنها مطابق باشد » این عدم امکان حرکت آنها می تواند تاثیر منفی بر رشد اجتماعی و نیز برقراری ارتباط با دیگران بگذارد . لذا پذیرش و قبول این دانش آموزان از طرف اطرافیان، همسالان و معلمان اهمیت فراوانی دارد.

۷. مبتلایان به ناتوانیهای یادگیری:

دانش آموز با ناتوانی های یادگیری خاص به دانش آموزی گفته می شود که علی رغم دارا بودن هوش طبیعی و نداشتن نقایص حسی، آسیب های شدید مغزی و مشکلات شدید عاطفی - اجتماعی ، امکان استفاده از امکانات آموزش و پرورش عادی را نداشته و در بعضی از دروس ضعف شدیدی دارد . چهار بعد اساسی را در مورد این دانش آموزان باید در نظر گرفت که عبارتند از:

۱- تفاوت میان عملکرد مورد انتظار و عملکرد واقعی یک کودک ؛

۲- نشانه های رفتاری مربوط به ضعف و قوت موضوعهای تحصیلی و زبان در یادگیری ؛

۳- وجود یا عدم وجود سایر مشکلات، چون ناشنوایی ؛



۴- تمرکز یا نگرش پایه آنها درباره مشکل یادگیری :

« از نظر آموزشی ، دانش آموز با نیازهای ویژه، از نظر شناختی، هوشی، جسمی (حسی- حرکتی) ، عاطفی و اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه ای با افراد همسن خود دارد .این تفاوت به حدی است که برخورداری وی از آموزش و پرورش، مستلزم تغییراتی (متناسب با ویژگی های این دانش آموزان) در برنامه ها، محتوا، روشها، مواد و فضای آموزشی عادی و ارائه خدمات آموزشی و توانبخشی ویژه به اوست. »

برنامه درسی برای کودکان با نیازهای ویژه

تعلیم و تربیت با شناخت و کشف استعدادها، علایق و نیازهای فرد و پرورش آنها و حرکت در راستای رشد همه جانبه، زمینه زیست موفق و کارآمد فرد را فراهم می آورد. (احمدزاده ، ۱۳۹۸) هسته اصلی نظام تعلیم و تربیت، برنامه های درسی است . برنامه های درسی و نظریات آن در زمینه آموزش و پرورش از جمله عوامل و عناصری است که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی نقش بسزایی دارد (نوروززاده ، ۱۳۹۱) برنامه درسی شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت های یاد دهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است.

اصول برنامه ریزی

اصول برنامه ریزی درسی راهنمای عمل به حساب می آید و مبانی برنامه ریزی درسی جهت گیری های کلی را برای برنامه ریز مشخص می کند : (نورآبادی ، ۱۳۹۹)

۱. اصل جامعیت:

وجود ارتباطات درون سازمانی ایجاب می کند که برنامه ریزان، از اثرپذیری اجزای مختلف درون سازمان ، تصویر روشنی در ذهن خویش داشته باشند و بتوانند آثار احتمالی و ناخواسته تصمیمات خود را در جاهای مختلف سازمان پیش بینی کنند و از وقوع آثار ناخواسته و نامطلوب تصمیمات خویش پیشگیری نمایند.

۲. اصل مشارکت:

برنامه ریزی فرایندی است که مشارکت همگان را طلب می کند و همه کسانی که به نوعی در معرض نتایج برنامه ها قراردارند ، باید تا حدودی در این میان نقش داشته باشند.

۳. اصل تعهد:



به هنگام سپردن مسئولیت طراحی، تهیه و اجرای برنامه‌ها، باید از متعهد بودن اشخاص دست اندر کار مطمئن شد. آنان باید احساس کنند برنامه‌ای که تهیه و اجرا می‌کنند محصول اندیشه و عمل آنان است و آنان در موفقیت یا شکست برنامه‌ها دخیل و مؤثرند.

۴. اصل واقع بینی:

برنامه ریزان باید پیش از تهیه و اجرای برنامه‌ها نسبت به مطالعه و شناخت محیطی که قرار است برنامه ریزی در آن انجام گیرد، اقدام کنند تا بستر حرکت خود را به خوبی بشناسند و از واقعبات فاصله نگیرند.

۵. اصل استمرار در ارزشیابی:

ارزشیابی از فرایند نه منحصرأ از محصول، بلکه انجام اصلاحات لازم درطول برنامه ریزی و اتخاذ تصمیم بر مبنای اطلاعات و داده‌های جدید است.

۶. اصل توجه به نوآوری‌ها:

برنامه ریزان باید با نوآوری‌ها، برنامه‌های خود را با تحولات جدید هماهنگ کنند. استفاده از نوآوری‌ها باید به بهبود کیفیت، جایگزینی روش‌های کهنه با روش‌های نوین، سهولت دسترسی به اطلاعات تازه، تسریع در کارها و در نهایت به برآورده شدن انتظارات جدید مخاطبان بیانجامد.

۷. اصل ضرورت تجدید نظر مستمر در سیاست گذاری‌ها:

همان گونه که نیازها و انتظارات جامعه دائم دستخوش تغییر می‌شود، سیاست گذاری‌های آموزشی هم باید بر اساس قاعده و اصول، پذیرای تغییر باشد. یعنی با دور اندیشی و به طور مستمر مقتضیات گوناگون عصر شناخته شود و در هر برهه‌ای از زمان برای جوابگویی به انتظارات و مقتضیات زمان، به طور مستمر برنامه ریزی‌هایی انجام بگیرد.

براساس قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها، دانش آموزان با ناتوانی‌های ویژه حق دارند که به برنامه درسی عمومی دسترسی داشته و در برنامه درسی عمومی مشارکت نموده و پیشرفت کنند. معنی دسترسی در قانون آموزش افراد با ناتوانی‌ها فراتر از تلفیق و فراگیرسازی دانش آموزان با نیازهای ویژه است. « برنامه درسی عمومی همان برنامه‌ای است که برای دانش آموزان عادی تدوین شده است از این رو زمانی که به دانش آموزان با نیازهای ویژه نیز همانند همسالان عادی شان فرصت یادگیری همان برنامه درسی داده می‌شود و از حمایت لازم برای پیشرفت در آن برنامه درسی برخوردار می‌شوند گفته می‌شود که آنها به برنامه درسی عمومی دسترسی دارند. » (Karger, & Hitchcock, 2004)



ضرورت دسترسی دانش آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی

۱. همه دانش آموزان بتوانند به مهارت ها و قابلیت های مورد نیاز در دوره بزرگسالی دست یابند.
۲. توانمندیهای بالقوه دانش آموزان با نیازهای ویژه بسیار بیشتر از توانمندیهای بالفعل آنهاست و دسترسی آنها به برنامه درسی عمومی موجب شکوفایی هرچه بیشتر استعدادهای بالقوه آنها می شود.
۳. دسترسی دانش آموزان با نیازهای ویژه به محتوای تحصیلی متناسب با سن خود، باعث می شود که این دانش آموزان نیز از فرصتهای آموزشی برابر با همسالان عادی شان برخوردار گردند.
۴. دسترسی دانش آموزان با نیازهای ویژه به برنامه درسی عمومی فرصتهای خودگردانی این دانش آموزان را افزایش می دهد . (Browder et al. , 2007)

چگونگی دسترسی به برنامه درسی عمومی برای دانش آموزان با نیاز ویژه

« دانش آموزان با نیازهای ویژه برای دسترسی به برنامه درسی عمومی نیاز به انطباق سازی محتوا، انطباق سازی روشهای تدریس و انطباق سازی روشهای ارزشیابی دارند. » (Wehmeyer et al. 2001) « در واقع معلمان باید برای به حداکثر رساندن یادگیری و مشارکت دانش آموزان با نیازهای ویژه حمایت ها و انطباق سازی های مورد نیاز آنان را فراهم کنند. » (Cushing et al. , 2005) « بنابراین همه دانش آموزان با نیازهای ویژه باید محتوای تحصیلی متناسب با پایه تحصیلی خود را بر اساس استانداردهای انطباق سازی شده آموزش ببینند و پیشرفت شان براساس استانداردهای انطباق سازی شده مورد سنجش قرار گیرد. » (Browder et al. , 2007) آموزش دانش آموز با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی با اصلاح برنامه درسی در سه سطح به شرح زیر مورد ملاحظه قرار می گیرد :

۱. انطباق سازی برنامه درسی :

انطباق سازی برنامه درسی یعنی « انطباق سازی روش ارائه برنامه درسی و جذاب کردن برنامه درسی برای یادگیری و مشارکت هرچه بیشتر دانش آموز با نیازهای ویژه با برنامه درسی (برای مثال تغییر اندازه فونتهای متن، تغییر اندازه تصاویر و رؤوس مطالب، استفاده از اشیاء عینی و ملموس برای نشان دادن اعداد) . » (Wehmeyer et al. 2001) « انطباق سازی برنامه درسی به عنوان تلاش برای اصلاح روشهای ارائه برنامه درسی و اصلاح نوع پاسخ دهی دانش آموز به برنامه درسی تعریف می شود. » (Deshler, & Schumaker, 2006)



۲. بسط برنامه درسی :

« بسط برنامه درسی یعنی گسترش برنامه درسی جهت آموزش راهبردها و فنونی برای بهبود ظرفیت دانش آموز با نیازهای ویژه به گونه ای که احتمال موفقیت آنها در برنامه درسی افزایش یابد . (برای مثال اضافه کردن درسهایی که خودآموزی را به دانش آموز آموزش می دهد) . « (Smith, & Tyler, 2012) بسط منجر به تغییر برنامه درسی نمی شود، بلکه راهبردهای اضافی و بیشتری را برای دانش آموز فراهم می نماید به گونه ای که موفقیت دانش آموز در برنامه درسی افزایش می یابد.

۳. تعدیل برنامه درسی :

« تعدیل برنامه درسی یعنی تغییر برنامه درسی عمومی به نحوی که دانش و مهارت های کارکردی تر و خاص تری را مورد توجه و ملاحظه قرار دهد. « (Nolet, & McLaughlin , 2005) « در این مرحله محتوای مورد نیاز دانش آموز با نیازهای ویژه که در برنامه درسی عمومی وجود ندارد، در برنامه آموزش انفرادی دانش آموز اضافه می شود . در واقع هدف از تعدیل برنامه درسی فراهم سازی روشهایی برای توجه به نیازهای منحصر به فرد دانش آموز است. « (Smith, & Tyler, 2012)

نتیجه گیری

برنامه درسی یعنی آنچه که در مدرسه به دانش آموزان آموزش داده می شود و برنامه درسی عمومی یعنی آنچه که به دانش آموزان عادی آموزش داده می شود . مشارکت دانش آموزان با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی مستلزم این است که هدف های برنامه آموزش انفرادی چگونگی مشارکت و پیشرفت دانش آموز با نیازهای ویژه در برنامه درسی عمومی را مورد ملاحظه قرار دهد، وسایل و خدمات کمک آموزشی مناسب، انطباق سازهها، اصلاحات و حمایتهای مورد نیاز دانش آموز با نیازهای ویژه را مشخص کند و نیازهای آموزشی منحصر به فرد دانش آموز با نیازهای ویژه را که در کلاس های درس عمومی فراهم نمی شود را تعیین نماید . از این رو زمانی که به دانش آموزان با نیازهای ویژه نیز همانند همسالان عادی شان فرصت یادگیری همان برنامه درسی داده می شود و از حمایت لازم برای پیشرفت در آن برنامه درسی برخوردار می شوند، گفته می شود که آنها به برنامه درسی عمومی دسترسی دارند. اگرچه آموزش دانش آموز با نیازهای ویژه با برنامه درسی عمومی شروع می شود، اما نیازهای انفرادی دانش آموز با اصلاح برنامه درسی به کمک فن آوری در سه سطح انطباق سازی برنامه درسی، بسط برنامه درسی و تعدیل برنامه درسی مورد ملاحظه قرار می گیرد.

پیشنهادهات

با توجه به یافته های پژوهش پیشنهادات زیر قابل ارائه می باشد :



۱. برای تمام مدارس استثنایی معلمانی مرتبط با حوزه کودکان با نیازهای ویژه و مشاوران و مربیان متخصص در نظر گرفته شود
۲. در مدارس استثنایی باید انجمن‌های اولیا و مربیان تشکیل شود، به طوری که آنها مستمر درباره وضعیت تحصیلی دانش آموزان در ارتباط باشند.
۳. کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی مدارس استثنایی ویژه با سطح توانایی دانش آموزان هماهنگ باشد و به گونه‌ای تنظیم شود که میزان خلاقیت آنها را افزایش دهد

منابع

- انصاری؛ (۱۳۹۶)، برنامه درسی، تاریخچه و عناصر آن، <http://www.mazaherih.ir/?p=520>
- احمدزاده، صادق؛ (۱۳۹۸)، بررسی مباحث برنامه ریزی درسی در آموزش و پرورش، فصلنامه آموزشی پژوهشی/اورمزد، ضمیمه شماره دوم ۴۶
- (بی نا)؛ ۱۳۹۸، دانش آموزان با نیازهای ویژه، رشد فناوری آموزشی، دوره ۳۵، شماره ۴
- خداناسر عبدل آبادی، رضا و سیدان، سیدابوالقاسم و اسماعیلی، حجت و زنده دل، مهرداد، ۱۳۹۶، برنامه های درسی دانش آموزان با نیاز ویژه، چهارمین کنفرانس بین المللی روانشناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی
- سیف نراقی، مریم، شریعتمداری، علی، نادری، عزت اله، ابطحی، معصومه السادات. (۱۳۸۸). بررسی میزان تقویت توانمندسازی شغلی در برنامه درسی دانش آموزان کم توان ذهنی، از دیدگاه کارشناسان ستادی، متخصصان برنامه ریزی درسی و دبیران ذیربط. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۲(۵)، ۱۳۵-۱۶۰.
- صمدی فر، جعفر؛ (۱۳۹۰)، کودکان و دانش آموزان با نیاز ویژه، <http://moshaveremarzha.blogfa.com/post/4>
- طیعی ماسوله، سیده مریم؛ خسروی بابادی، علی اکبر؛ رضازاده، حمیدرضا؛ رضانی، احمد؛ پوشنه، کامبیز؛ ۱۴۰۱، طراحی الگوی برنامه درسی آموزش شهروندی برای دانش آموزان کم توان ذهنی، تعلیم و تربیت استثنایی - شماره ۱۷۰
- طالب زادگان، میترا؛ ۱۳۷۸، بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان موفق، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان
- فتاحی، اکرم؛ (۱۳۹۴)، نگاهی به آموزش و پرورش کودکان استثنایی، <http://atefeh52.blogfa.com/post/24>
- قدمی، مجید؛ ۱۳۹۱، بررسی مبانی نظری رویکرد جداسازی در آموزش و پرورش استثنایی ایران. روان شناسی افراد استثنایی دوره جدید سال ۲ شماره ۸
- نوروز زاده، رضا؛ (۱۳۹۱)، وضعیت سهم مشارکت دانشگاه ها در بازنگری برنامه درسی رشته علوم تربیتی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۱۹، ۱۶۸ - ۱۳۹
- نورآبادی، عباس؛ ۱۳۹۹، اصول و مبانی برنامه ریزی درسی، <http://anoorabadi.blogfa.com/post/21>



همتی علمدارلو، قربان؛ ۱۳۹۱، رویکردهای برنامه درسی دانش آموزان کم توان ذهنی: مزایا و معایب. تعلیم و تربیت استثنایی؛ ۲ (۱۱۰): ۲۱-۳۰.

همتی علمدارلو، قربان؛ ۱۳۹۲، برنامه درسی کارکردی برای دانش آموزان کم توان ذهنی، تعلیم و تربیت استثنایی سال سیزدهم، شماره ۵ (پیاپی ۱۱۸)

Browder, D.M., Wakeman, S.Y., Flowers, C., Rickelman, R.J. & Pugalee, D., & Karvonen, M. (2007). Creating Access to the General Curriculum With Links to Grade-Level Content for Students With Significant Cognitive Disabilities: An Explication of the Concept. *The Journal of Special Education*, 41(1), 2-16.

Cushing, L. S., Clark, N.M., Carter, E.W., Kennedy, C.H. (2005). Access to the General Education Curriculum for Students With Significant Cognitive Disabilities. *Teaching Exceptional Children*, 38(2), 6-13.

Deshler, D. & Schumaker, J. (2006). *Teaching Adolescents With Disabilities: Accessing the General Education Curriculum*. California: Corwin Press.

Karger, J. & Hitchcock, C. (2004). *Access to the general curriculum for students with disabilities*. National Center for Accessing the General Curriculum

Nolet, V. & McLaughlin, M.J. (2005). *Accessing the General Curriculum: Including Students With Disabilities in Standards-Based Reform*. California: Corwin Press.

Smith, D.D., & Tyler, N.C. (2012). *Introduction to Special Education: Making A Difference*. New York: Merrill

Wehmeyer, M., Lattin, D. & Agran, M. (2001). Achieving access to the general curriculum for students with mental retardation: A curriculum decision-making model. *Education and Training in Mental Retardation and Developmental Disabilities*, 36(4), 327-342.